

هولوکاست انگشت در چشم استکبار

محمد علی روزبهانی

از مرزهای ایران گذشت. در سومین دهه انقلاب، مردی از فرزندان خمینی و تابعان ولایت امام خامنه‌ای بیعت مردم را همراه خود دید و بر ریاست نظامی نشست که با خون هزاران شهید آبیاری شده بود. مردی که هر روز و هر هفته مونس‌اش صحیفه امام خمینی (ره) و گفتارهای آن پیر مراد بود. با پشتیبانی امام خامنه‌ای گفتمان حضرت روح...، در جهان طنین‌انداز شد و در زمان دولتی که نظام جمهوری اسلامی ایران قدرتمندترین دوران خود را می‌گذراند، آتش در خیمه استکبار ستیزه‌جو افتاد. آنها که بار دیگر عقده‌های فروخته‌شان سر باز کرده بود و با انتشار کاریکاتورهای اهانت‌آمیز علیه مقدسات اسلام و در پوشش آزادی بیان، قهقهه مستانه در مسخره کردن ارزش‌های صدها میلیون مسلمان در سراسر جهان سرمی‌دادند، به ناگاه عالم برایشان جهنم شد و مستی از سرشان پرید. محمود احمدی‌نژاد پاشنه آشیل استکبار را کشف کرده بود و در چشم فتنه‌گر استکبار انگشت فرو کرده بود. هولوکاست و تشکیک در آن موضوعی بود که در خواب هم نمی‌دیدند دستاویز سخنان مردی گردد و حیل‌ها و بنیان‌های پیچیده‌شان را نقش بر آب کند. باورشان نمی‌شد کشوری جرات کند مسابقات بین‌المللی کاریکاتور هولوکاست را برگزار کند و ناباورانه‌تر اینکه کاریکاتوریست‌هایی حرفه‌ای از سراسر دنیا در این مسابقه شرکت کنند! می‌گفتند ما به پیامبر شما توهین کرده‌ایم و شما هم بیایید به پیامبر ما توهین کنید! ولی التماس می‌کنیم اسطوره مظلومیت صهیونیست‌های ستم‌دیده! را ویران نکنید! هولوکاست تبدیل به سلاخی در مقابل خودشان شد و سحر فرعون به خودش برگشت. هر جنایتی که صهیونیست‌ها انجام می‌دادند با صفت هولوکاست تزیین می‌شد و واژه‌های جدید وارد رسانه‌های دنیا شده بود. اگر آنها ادعا می‌کردند که در تاریخی گذشته، جنایتی بر علیه یهودی‌ها صورت گرفته، هولوکاست غزه و هولوکاست فلسطین زنده‌تر از آن بود که دیگر کسی برای مظلومیت صهیونیست‌ها اشکی بریزد. چهره خونخوار صهیونیست‌ها و حامیان مستکبر آن‌ها بر ملت‌ها روشن شد و نقاب از چهره دیو صورت و دیوسیرت استعمار فرو افتاد.

بر می‌آوردند که قانون حاکم بر دنیا قانون جنگل است و اگر قدرت تو اندازه شیر و پلنگ و حیوانات درنده این جنگل نیست، باید با آنها مدارا کنی، وگرنه خورده می‌شوی! بهترین فرزندان تاریخ ایران زمین در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، جانشان را فدا می‌کردند و آقایان غرب‌زده و حضرات نهضت آزادی بیانیه می‌دادند که این جنگ برادر کشی است و بی‌حاصل است و...! کسی گمان نمی‌کرد با اشارت‌های کوبنده امام روح‌الله و رهنمودهای نورانی او، جبهه نفاق داخلی و غریزندگان خود فروخته دیگر بتوانند کمر راست کنند اما... استکبار فتنه‌گر که حیات خود را در خاموش کردن جبهه حق جستجو می‌کرد، آنگاه که هشت سال دفاع قهرمانانه ملت ایران را دید از جبهه‌های دیگر وارد شد و عروسک زبونی چون سلمان رشدی را بر علیه محکومات دین مبین اسلام شوراند و تمام توان خود را گذاشت تا هیمنه تقدس و عظمت اسلام را فرو ریزد. و باز چه کسی را یاری پاسخی شایسته و محکم در مقابل این توطئه شوم بود جز همان حضرت روح... که تکیه بر انوار غیبیه الهی داشت و فتنه استکبار را بر سر خودشان آوار می‌کرد. غرب و شرق فتنه‌گر، سفیران خود را از ایران بیرون کشیدند تا بلکه دل در بایی امام را بلرزاند و حضرتش را در فتوای آتشین خود که چون موجی کوبنده عالم اسلام را در می‌نوردید و ملت‌ها را بر ذات ننگین عالم کفر می‌شوراند متزلزل کنند. بودند همان زمان هم افرادی که حقیرانه و زیر زبانی از امام ناراضی باشند و ملت ایران را بازنده این مبارزه تلقی کنند. اما اندک زمانی نگذشت که سفیران خارج شده از کشور، ذلیل و سرافکنده به کشور برگشتند و بار دیگر در مقابل صلابت و نشاط انقلاب اسلامی طعم تلخ شکست را چشیدند. امام امت پر کشید و در ناباوری بازماندگان دعوت حق را لبیک گفت، اما میراثی ماندگار از خود به جا گذاشت، میراثی از اندیشه‌های روح بخش اسلام ناب محمدی (ص) که تا سال‌ها ملت ما را در مقابل بدخواهی‌ها و کینه‌توزی‌های مستکبرین بیمه سازد. ذخیره حق، حضرت امام خامنه‌ای، رهبری انقلاب را عهده‌دار شدند و بسیجیان امام روح‌الله صلابت خمینی را در گفتار و رفتار او به روشنی یافتند و با جان و دل با او پیمان وفا بستند. راه انقلاب در کشاکش گردنه‌ها به رهبری امام خامنه‌ای استوار و بالنده ادامه یافت و گسترش آن

استکبار جهانی با عقده‌های حقارت‌آمیزی که از جنگ‌های صلیبی بر دل دارد همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد و حیات تاریک خود را تنها در گرد و غبار فتنه‌ها می‌جوید. چرا که باطل همیشه رفتنی است و هر چند روزگاری قدرت یابد اما چون بر خلاف سنت‌های جاودان الهی حرکت می‌کند، محکوم به نابودی است. با اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها و کشتار و جنایت‌های وحشتناکی که در مقابل چشم‌های همه دنیا صورت می‌گرفت، استکبار شرق و غرب مغرورانه نظاره‌گر اجرای برنامه‌هایش بود و کار دنیای اسلام را تمام شده فرض می‌کرد. واقعا هم اگر نبود نفس مسیحایی حضرت امام روح... موسوی خمینی که احیای اسلام ناب محمدی در دوره جاهلیت ثانی بود و پیروزی انقلاب اسلامی ایران که جوانه‌های امید را در سینه‌های تمام مستضعفان زمین زنده کرد، معلوم نبود ملت‌های مسلمان دچار چه سرانجامی می‌شدند. پرچمی که دو خط آبی آن نمادی از نیل تا فرات بود، قرار بود از مصر تا عراق را به صهیونیست‌های مظلوم! که حالا بعد از سه هزار سال و اندی یادشان افتاده بود که باید این‌جا در چشم مسلمین، سرزمین قبله اول، لانه بسازند، بر گرداند و بنا بود صهیونیست‌های ستم‌دیده! آرام آرام با گسترش خود، تنها مکتب موجود در مقابل کفر و عصیان غرب را استحاله کنند. تمام سرزمین‌های اسلامی یا همچون فلسطین ضمیمه خاک ارض موعود! شود و یا همچون صهیونیست‌های دزدانه‌پوش مصر و اردن و عربستان، حلقه‌به‌گوش و مروج اسلام ناب آمریکایی گردند. و مگر اشغال لبنان به دست صهیونیست‌ها نبود که از برکت انقلاب اسلامی ایران، در نطفه خفه شد و با صدور انقلاب به مرزهای لبنان و تولد مولودی فرخنده به نام «حزب‌الله» خیال شیرین اشغال سرزمین‌های اسلامی در افکار صهیونیست‌های زمین‌خوار و خون‌خوار به کابوسی وحشتناک بدل شد. غرب وحشی خوب دشمنش را تشخیص داد و فهمید که چشمه را باید از سر چشمه خشکاند. انواع توطئه‌های داخلی و خارجی علیه انقلاب ملت ایران شروع شد و هشت سال جنگ تحمیلی از رزمندگان ایرانی اسطوره‌هایی جاودانی ساخت. در کوران مبارزات ملت ایران و نشاط مردم برای ساختن نظامی نو بر مبنای ارزش‌های متعالی اسلام، گروه‌هایی بی‌اعتماد یا بی‌اعتقاد به اسلام ناب محمدی، همچنان بر پیروی از نظم جهانی که دنیای غرب بر پا ساخته بود تاکید می‌کردند و ذلیلانه فریاد

